

یادداشت‌هایی

پیرامون

بانک اسلامی

بانک اسلامی و نقش رهبری اقتصاد، نظامنامه داخلی بانک اسلامی

گرفته شده را پس بدهد یا خیر؟ واگر این قدرت را در اوسراغ داشت و با فرضاً قدرت وصول را در خود دید (ولو اینکه فوق قدرت وام‌گیرنده باشد) وام می‌دهد و دیگر کاری به این ندارد که وام‌گیرنده چه می‌کند؟ سود می‌برد و یا زیان! و پولش را در چه راهی مصرف مینماید؟ حتی برایش مهم نیست که تمام پولی را که به عنوان وام تجارتنی گرفته به یک مصرف بیهوده و باطل مثل اعمار برساند! آنچه مهم است برگشتن پول است به بانک و سود بردن بانک و اضافه کردن به سرمایه!

ولی بانک اسلامی تمام توجهش به این است که

بدون شك طرحی که برای بانک اسلامی ریخته شده، اگر پیاده شود و بمرحله اجراء و عمل درآید، بزودی جای خود را باز کرده و علاوه بر اینکه می‌تواند تمام عملیات بانکی را بصورت صحیح و مشروع انجام دهد، خواهد توانست اقتصاد کشور-ها را نیز رهبری نموده به سوی ترقی سوق دهد، زیرا بطوریکه در مقالات گذشته شرح دادیم بانک اسلامی مانند بانکهای ربوی نیست که تنها وام بدهد و وام بگیرد و تنها نظرش این باشد که پول خود را با سودش پس بگیرد و تمام توجهش به این باشد که مشتری وام‌گیرنده آیا خواهد توانست وام

مشتری را راهنمایی کند؛ او را به سوی تجارت صحیح یا تولید سودآور و مشروع رهبری کند تا از سود واقعی اوسهمی بگیرد، بنابراین بانک اسلامی تمام توجهش به ترقی اقتصاد کشور است، او میخواهد اقتصاد مملکت پیش برود، تاجر و تولیدکننده، صاحبان صنایع و اصناف و کشاورزان همه و همه سود ببرند، تا در سایه سود آنها، سرمایه دار مضارب بدهنده، سهامش را به عنوان شرکت در سود بگیرد و بانک نیز به عنوان واسطه حق خود را دریافت دارد.

از این جهت بانک اسلامی اگر برای سود خود هم تأسیس شده است سعی میکند از طریق متخصصان اقتصادی کارهای صحیح و سودآوری را که در اصطلاح شرع مکاسب محرمه نباشد کشف نموده به تجار و بازرگانان و صاحبان صنایع معرفی نموده به آنها سرمایه بدهد و در طریق و راه کسب نیز راهنمای اقتصادی خوبی برای آنها بوده و بطور خلاصه دل یک مشاور اقتصادی را برای بازرگانان بازی کند، آنها مشاوری که خود را ذی نفع میداند و شریک و از این جهت در راهنمایی خود کمال جدیت و دلسوزی را مبذول میدارد.

بنابراین بانک به این معنی رنک و صبغه اسلامی برخلاف بانک در اصطلاح امروزی خواهد بود، می گویند امروز در هر کجا شعبه و بساجه بانک افتتاح می شود در از بیچارگی و بدبختی بروی مردم گشوده می گردد، اول برای هر کسی مطابق میل و ذوقش حساب و یا حسابهای افتتاح می کنند، حساب پس انداز، حساب سپرده، حساب تحصیلی، حساب

جوانان، حساب مسافرت، حساب نوروژی، حساب تأمین مسکن و بالاخره جاری و در گردش و باین وسیله تا آخرین دینار پول مردم را می گیرند، و خیلی دلسوز و مهربانند، حتی نمیتوانند ببینند که يك دهاتی بیچاره با خود پولی به زیارت ببرد و خدای نا کرده در راه پولش را گم کند و درمانده شود و از این جهت پول را می گیرند و به او دفترچه حساب در گردش میدهند، نمیتوانند ببینند که تسو کارمند حقوقت را بگیرد و يك جا خدای نا کرده خرج کنی و آخر ماه دست خالی بمانی، از تو میگیرند و دست چکی بدست تو و رفیق کاسبت میدهند، نیز از همه جایی خبر بازار میروی، بازاری بتو جنس میدهد آنها هم بیش از نیاز و احتیاج تو، با سودی که خدایمان دادند و انصافش! بدون اینکه از تو مطالبه پولی نماید، تنها قانع است که چند قطعه چک بی قابلیت را امضاء نموده بدستش بدهی، و تو خوشحال بمنزل برمی گردی در حالیکه، مقداری خورت و پرت و اثاث منزل از مل و فرش، جاروبرقی، پلوپز برقی، پتو و تشک برقی! با خود بخانه آورده ای و در عوض چک داده ای!

کم کم موعد چکها فرامیرسد، حقوق تو کفاف نمیدهد، قسطها را نمی توانی پردازی! بانک بتو اخطار می کند که آبرویت در خطر است، ولی احساس درماندگی کردی، با زهم بانک به فریادت میرسد! با کمال گشاده روئی، التماس ترا قبول می کند و مسؤولیت را اجابت و به پرداخت وام صنفی، و کارمندی و بالاخره متفرقه مفتخرت می سازد! و از تو هیچ توقعی ندارد جز آنکه خانه ات را گروه بگذاری و یا به تاجر و کاسبی التماس کنی که از

دست و دلش پی کار نمی رود و حواس جمعی ندارد چون بدهکار است و اگر درستکار نیست رشوه خوار است و ناچار به کارها گره می افکند تا مشکل گشا حلال مشکلات شود!

و از این بالاتر يك وقت می بینی هر چه ساختمان عالی و مدرن در شهر وجود دارد یا مال بانک است و یا در گرو بانک! هر چه بازاری بی انصافی می کند و گران می فروشد باز هم در آمدش در جیب بانک است و بانکدار!

فَاعْتَبِرُوا يَا أُولِيَ الْاَبْصَارِ

ولی بانک اسلامی! بمعنی حقیقی راهنمای تجارت و بازرگانی است، اگر خودت کاری سود آور و مشروع پیدا کرده ای بانک تشویقت میکند، بتو سرمایه میدهد و در کارت نظارت، و اگر کاری پیدا نکرده ای و خواستار کارشدی بانک به تو کار صحتی را معرفی مینماید و سرمایه لازم را در اختیار می گذارد و بعد هم از هیچگونه راهنمایی لازم خودداری نمی کند و اگر خدای نخواسته با همه پیش بینی ها باز هم توفیق نیافتی و خدای نا کرده سرمایه ات از دست رفت تازه می شوی مانند اول، بانک خانه و کاشانه ات را حراج نمی کند! و زیان سرمایه را از تو مطالبه نمی نماید و آیا سرمایه داران مسلمان بهوش نمی آیند که در راه تأسیس بانک اسلامی قدمی بردارند؟

نظامنامه داخلی بانک

بانک اسلامی از نظر سازمان اداری با سایر بانکها فرقی ندارد، حسابدار، تحویلدار، شعبه بروات،

توضیحات کنند و آنها هم به خاطر وصول پول خود تشویقت نمایند و ضمانتت را بپذیرند و تنها برای محکم کاری که البته کار از محکم کاری عیب نمی کند یکی دو قطعه سفته بدون تاریخ و سفید امضاء از تو بگیرند.

و تو آسوده و راحت می شوی، وام گرفته می شود، اقساط پرداخته می گردد، اگر زیادی داشته باشد باز هم تبدیل به کالائی منحل می شود.

طولی نمی کشد این آسودگی تبدیل به فشار بیشتری می گردد حالا باید اقساط بانک را پردازی، با این تفاوت که تاجر را فرضاً بنحوی می شد ساکت کرد، طفره زد، چند روزی مهلت خواست، ولی بانک را نمی شود، اگر هم چند روزی قسط را دیر پرداختی بر مقدار بهره اضافه می شود، يك وقت دریمانی که خدایا ماهی دوهزار تومان کمتر و بیشتر حقوق دارم! درآمدهای متفرقه و حق و حسابها را نیز اگر به آن اضافه کنی رقم درشتی می شود ولی باز هم فریادت بلند است که کفاف کی دهد این بادهها بمستی ما؟!!

حالا میفهمی که بانکهای ربوی نه تنها عامل بیچارگی کسانی هستند که با آنها سروکار دارند، بلکه عامل مهم گدایی آنها هستند، عامل رشاء و ارتشاء، رشوه خواری و رشوه دهی و از این جهت کسانی هم که با آنها سروکار ندارند چوب آنها را میخورند، گران میخرند چون تاجر ربا میدهد و ناچار باید جنس را گران بفروشد، به کارمند باید حق و حساب بپردازد چون او به بانک بدهکار است و حقوقش کفاف نمیدهد، ارباب رجوع باید سرگردان باشد چون اداری اگر درستکار است

داشته باشد؛ در این دایره هدهای از کارشناسان اقتصادی و متدین بکارمشغولند؛ ترقی و تنزل نرخها را دقیقاً و عمیقاً در نظر دارند، تمام اطلاعات صحیح اقتصادی را جمع آوری نموده به دایره مضاربه می دهند تا آنها هم به موقع مشتریان را راهنمایی نمایند و از زبان بازرگانان و اتلاف سرمایه ها بموقع جلوگیری نمایند.

مهمترین اصل در قسمت کارگزینی بانک اسلامی رعایت این موضوع است که کارمندانی که استخدام می کنند علاوه بر دینداری و صحت عمل و آشنائی بامور بانکی؛ روح مضاربه را عمیقاً درک نموده و از زیانیهای رباخواری بطور کامل واقف باشند و جداً مایل باشند که ریشه رباخواری را از بازار مسلمانان کنده و بانک اسلامی را به مفهوم صحیح جایگزین بانکهای ربوی نمایند از این جهت بسا مشتریان رفتاری ملایم داشته و مهربان باشند، طوری رفتار کنند که مشتریان با کمال میل و رغبت به بانک اسلامی مراجعه نموده، کارهای خود را بر این اساس طرح ریزی نمایند بدیهی است که وجود کارمندان خوش برخورد و مهربان پرستیژ مؤسسه را حفظ نموده و راندمان کار را بطور قابل ملاحظه ای بالایی برد، برعکس کارمندان بد برخورد و نامهربان ولو اینکه صحیح العمل باشند در پسر اکندن مشتریان اثری بسزا دارند.

حساب جاری، پس انداز، و غیره از این جهات کاملاً با سایر بانکها یکسان است جز اینکه بر اساس اسلامی بدون ربا اداره می شود.

تنها بانک اسلامی علاوه بر سایر تشکیلات بانکی بایستی دایره ای بنام **دایره مضاربه** داشته باشد و چون مهمترین کار بانک اسلامی مضاربه است، و بانک بایستی اطلاعات کافی پیرامون تجارت و مسائل مربوط به مضاربه و مضاربه دهنده و مضاربه پذیر داشته باشد از این جهت دایره مضاربه کارش از همه دوائر بانک مهمتر و وظیفه اش خطیرتر است، و بنظر می رسد که بهتر باشد که این دایره مستقیماً زیر نظر مدیر کل بانک اداره گردد و در شعبه ها و باجه ها نیز رؤسا شخصاً نظارت مستقیم داشته باشند.

وظیفه این دایره این است که بر مضاربه ها نظارت کند، مضاربه پذیرها را زیر نظر می گیرد؛ کارهایشان را کنترل می کند، مواظب سود و زیانشان می باشد، از راهنمایی آنها خودداری نمی کند، آنها را در جریان ترقی و تنزل نرخهای گذارده، دفاتر پلمپ شده در اختیارشان گذارده و حسابهایشان را رسیدگی می کند، خلاصه همانند یک شریک دلسوز که دود و روبر کار شریک نظارت می کند و وظیفه خود را انجام می دهد و از سود بطور عادلانه طبق طرحی که قبلاً گفتیم استفاده می کند.

علاوه بر دایره مضاربه بانک اسلامی دایره دیگری بنام **راهنماییها و کاوشهای اقتصادی** بایستی